بازگشت تفکر

خاطرتان باشد دو ماه پیش در همین صفحه از آتش‌سوزی کتابخانه تفکر شهرستان شهریار نوشتیم و حالا خبر آمده که مرکز آفرینش‌های ادبی حوزه هنری تعدادی از کتاب‌های تولیدات خود را شامل ۱۹۵ عنوان کتاب با مضامین مختلف ادبی به این کتابخانه اهدا کرده است. باید منتظر ماند و دید کتابخانه تفکر محله نصیرآباد منطقه خادم‌آباد به این زودی‌ها سر پا می‌شود یا نه.

رستگاری در چاپ سوم

می‌شود گفت که «معسومیت» کتاب تازه مصطفی مستور گام‌به‌گام به رستگاری نزدیك می‌شود چراکه حالا نشر مرکز خبر چاپ سومش را آن هم پس از گذشت تنها چهار ماه از چاپ اول به رسانه‌ها داده است. اگر به دو چاپ پیشین نرسیده‌اید برای چاپ سوم این کتاب ۱۹۲ صفحه‌ای، باید ۲۸ هزار و ۹۰۰ تومان بپردازید.

کتابگردی با مجاهد عراقی در تهران

اردیبهشت‌ماه امسال شهید ابومهدی المهندس به نمایشگاه کتاب تهران آمده بود؛ محسن دریالعل مدیر انتشارات «روایت فتح» از یك روز غرفه‌گردی با او برای جام جم نوشته است

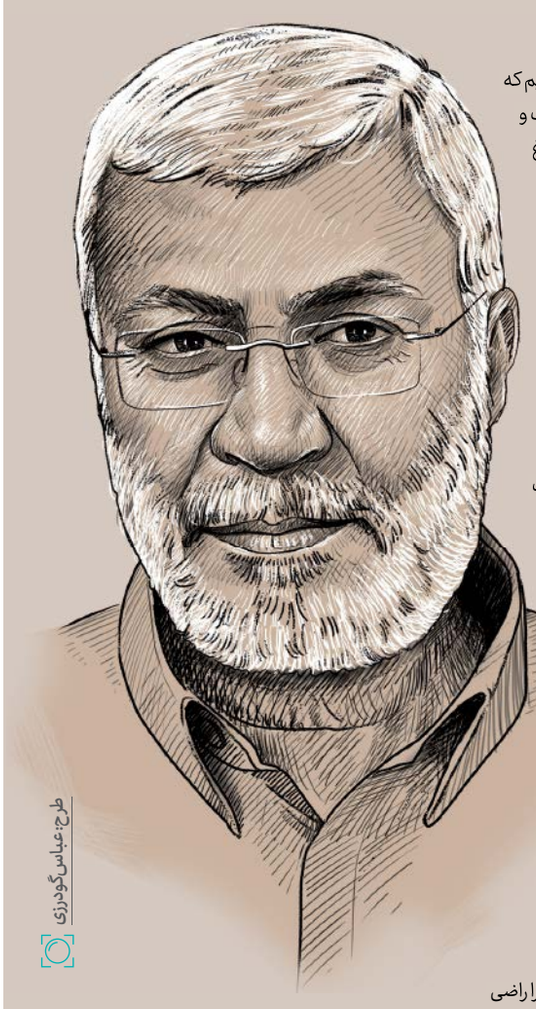

طرح: عباس گودرزی

شنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۸، نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، شبستان مصلای تهران.

یك روز عادی مثل همه روزهای نمایشگاه، قرار بود در غرفه مجمع ناشران انقلاب اسلامی کمك هزینه سفر به کربلای معلی که قرعه‌کشی شده بود، به مخاطبان تقدیم شود. همه چیز عادی در حال برگزاری بود. مخاطبان حضور داشتند و برنامه شروع شد. اوایل برنامه بود که ناگهان چشمم آشنایی را در راهروی ورودی غرفه مجمع ناشران دید. اول شك کردم درست دیده‌ام یا نه، اما درست دیده بودم، با همان ظاهر آرام و آراسته همیشگی که در عکس‌ها و فیلم‌ها دیده بودم. با لبخندی همیشگی که آرامش درونش را به رخ می‌کشید. ابومهدی المهندس بود که وارد غرفه مجمع ناشران انقلاب اسلامی شده بود. با دعوت ما ایشان برای اهدای هدایا به نشست ما تشریف آوردند. اتفاقات عادی آن روز و آن برنامه همه چیز یکباره تغییر کرد.

اولین اتفاق دوبرابر شدن هدایا بود. ابومهدی مهندس از طرف خودش به همان اندازه که ما قرار بود کمك‌هزینه سفر به کربلا بدهیم، روی هدیه گذاشت. سردار ناظری، مدیر انتشارات فاتحان که برگزاری جلسه را عهده‌دار بود شوکه شده بود و این شگفتی در لحن و حالاتش به‌وضوح دیده می‌شد. عجیب بود مهمانی اتفاقی و بدون برنامه‌ریزی در برنامه‌ای این‌چنین حضور یابد و به رسم مهمان‌نوازی عراقی‌ها هدیه‌ای را پیشکش کند.

و این تازه شروع یك روز ویژه برای من بود. یك روز که با همراهی و هم‌نفس‌شدن با ابومهدی سپری شد و حالا هر روز خبر و فیلمی از دیدار ابومهدی المهندس با ناشران مختلف منتشر می‌شود و من مانده‌ام و حسرت دیدار دوباره.

در غرفه «روایت فتح»

داستان شروع شد. ابومهدی مهمان ما در غرفه «روایت فتح» بود. تازه‌های نشر را یك به یك بررسی و تورق کرد. بعضی را می‌شناخت و بعضی برایش ناآشنا بودند. همه را دید و چند صفحه را خواند. در بین تازه‌های نشر چند کتاب از مجموعه مدافعان حرم را با دقت بیشتر مطالعه کرد. گفتم کل مجموعه را بیاورند تا معرفی کنم که دیدم همه را خوانده‌است و یك به یك می‌شناخت. انگار اتفاقات این روز قرار بود لحظه به لحظه جالب‌تر و جذاب‌تر بشود. کمی درباره اتفاقات زمان جنگ و سپاه بدر صحبت کردیم. از شهید دقایقی که فرمانده ایشان بود. صحبت به داعش کشید و اتفاقات روز. صحبت از اهمیت تاریخ شفاهی و خاطره‌گویی و خاطره‌نویسی. تا آن روز ابومهدی خاطراتش را جز به صورت مختصر در یکی دو برنامه جایی نگفته بود و این یعنی سندی ناگفته که حتما اسراری در سینه دارد که هم‌شنیدنی است و هم ارزش‌های زیادی دارد. اما ابومهدی تمایلی به گفتن‌شان نداشت. موضوع صحبت کلا عوض شد. از ما اصرار و از او انکار. آنقدر توضیح دادیم و دلیل آوردیم که بالاخره راضی شد جلسات تاریخ شفاهی را شروع کنیم. البته نه به همین زودی. در اولین فرصت و در سفر بعدی به تهران.

زمان خداحافظی بود؛ اما برنامه‌ام را عوض کردم. تصمیم گرفتم امروز را به بهانه معرفی ناشران مختلف با ابومهدی باشم تا کمی بیشتر هم‌نفسش باشم و کمی بیشتر از روزمرگی‌های همیشگی‌مان جدا بشوم. تصمیم گرفتم کمی دوشادوش مردترین‌های این روزگار باشم و این شد که از غرفه روایت فتح خداحافظی کردیم و سفر آغاز شد.

کتابگردی با ابومهدی

گردش در نمایشگاه برای ابومهدی و گردش در حال و هوا و لذت‌های جدید برای من.

اولین مقصد نشر فاتحان بود به میزبانی سردار ناظری. هر غرفه‌ای که می‌رفتم سلام و علیکی می‌کردم و معرفی که شاید لازم باشد و بعد کنار می‌ایستادم تا هر چه دوستان ناشر دوست دارند بهره ببرند و لذت ببرند. سردار ناظری که خود آشنای قدیمی بودند و احوالپرسی و معرفی مفصل طول کشید. از فاتحان که بیرون آمدیم با انبوهی از جمعیت مواجه شدیم که برای یادگاری گرفتن و امضا و عکس جمع شده بودند. زن و مرد. بزرگ و کوچك. حالا از کجا فهمیده بودند و متوجه شده بودند یا از کجا می‌شناختندشان را که اصلا نفهمیدم، ولی عجیب بود که فرمانده حشدالشعبی چقدر بین مخاطبان مختلف نمایشگاهی محبوب و دوست‌داشتنی است.

انبوه جمعیت که کمی خلوت شد، به سمت نشر ستاره‌ها به راه افتادیم؛ بچه‌های خوشفکر مشهد که این یکی‌دوساله خوش درخشیده‌اند و امسال هم حضوری متفاوت در نمایشگاه داشتند. کمی صحبت و خدا قوت ما را راهی سوره مهر کرد. حمید آقای قره‌داغی میزبان و خوش‌صحبت و خوش‌رو با تمام انرژی جوانی‌اش ابومهدی را در آغوش کشید و معرفی آثار شروع شد و چه مفصل کتاب‌ها را یك به یك معرفی می‌کردند و چه با حوصله ابومهدی گوش می‌کرد و می‌دید. نقاشی قهوه‌خانه‌ای بیشتر چشمش را گرفته بود و بیشتر درباره‌شان سوال می‌کرد. گردش در سوره مهر هم رو به پایان بود و تصمیم گرفتیم به سمت دوستان نشر بیست و هفت برویم. جواد کلاته عزیز شروع کرد به معرفی فرماندهان شهید سپاه لشکر ۲۷ محمدرسول‌ا... که همه از دوستان ابومهدی بودند و بعد از آن هم چند اثر جدید که طبق معمول آثار قدیمی را دیده بودند و جدیدها را هم مشتاقانه بررسی کردند.

در مسیرهای رسیدن به غرفه‌های مدنظر، ناشران دیگری هم بودند که یا ابومهدی دم غرفه‌شان برای لحظاتی صبر می‌کرد یا آنها به سمت‌مان می‌آمدند و میزبانی چنددقیقه‌ای بودند برای مهمان عزیزمان.

به سمت غرفه انتشارات واحه در حرکت بودیم که ابومهدی سراغ آثار علامه حسن‌زاده را گرفت و به سمت آثار ایشان رفتیم. چند کتاب را سراغ گرفتند و بعد از خرید به غرفه واحه رفتیم. کتاب‌ها را تورقی کرد و چون همه را خوانده بود، اندکی در این غرفه ماندیم، بعد مهمان نشر یازهرا شدیم. اولین کتابی که چشمش را گرفت کتاب حاج قاسم بود. بدون معطلی انتخابش کرد. یك به یك عکس شهدای روی جلد کتاب‌ها را نگاه می‌کرد و درباره هر یك چیزی می‌گفت و برخی را انتخاب می‌کرد. انتخاب‌ها که تمام شد یاد نشر درس‌هایی از قرآن آقای قرائتی افتادم. پرسیدم دوست دارد چند کتاب جدید و قرآن حاج آقا را ببیند که مشتاقانه پذیرفت و راهی درس‌هایی از قرآن شدیم. از صحبت‌هایشان با مسؤولان غرفه فهمیدم خیلی از سخنرانی‌ها و کلاس‌های استاد قرائتی را گوش کرده و تفسیر نور را هم دارد و مطالعه می‌کند.

اما قرآن ترجمه ایشان را ندیده بود که آن هم به سبد خرید اضافه شد.

تقریبا از همه غرفه‌ها کتاب‌هایی را خریده بود؛ البته برخی را به اصرار ناشران قبول کرده بود هدیه بگیرد ولی اصرارش برای پرداخت هزینه، معمولا ناشران را راضی می‌کرد.

نتیجه گشت چندساعته‌مان در نمایشگاه کتاب یك‌کوله بار پر از کتاب برای ابومهدی مهندس بود و لذتی تمام‌نشدنی و فراموش‌نشدنی برای من؛ تجربه‌ای که قرار بود آغاز هم‌نفسی با ایشان باشد برای شنیدن خاطرات یك عمر مجاهدت که فقط حسرتش ماند برایم.

مهندس و کتاب فارسی

برادر کوچك تو، ابومهدی

در روایتی که مدیر انتشارات «روایت فتح» از یك روز کتابگردی‌اش با شهید ابومهدی المهندس برای جام جم نوشته، مدام با این گزاره روبه‌رو می‌شویم که او به هر غرفه‌ای از ناشران ایرانی در نمایشگاه کتاب تهران که سر می‌زده، با بسیاری از کتاب‌هایی روبه‌رو می‌شده که قبلا آنها را خوانده بوده است.

در نگاه اول شاید عجیب باشد که یك مجاهد عراقی چرا باید این تعداد کتاب به زبان فارسی خوانده باشد. اما خب، پیش از این هم رابطه نزدیك او با ناشران و نویسنده‌های ایرانی را دیده بودیم؛ نشان به آن نشان که او چندی پیش حتی برای یك کتاب، یادداشتی هم نوشته و در چاپ‌های بعدی، در کتاب گنجانده شده است.

منظورمان کتاب «برایم حافظ بگیر» است؛ روایتی داستانی از زندگی فرمانده مدافع حرم شهید شعبان نصیری که مزین به دستخط ابومهدی المهندس است. سردارحاج شعبان نصیری که از یادگاران هشت سال دفاع مقدس بود و سابقه حضور طولانی در سوریه به منظور دفاع از حرم بانوی مقاومت، حضرت زینب کبری (سلام ا... علیها) را در کارنامه خود داشت، در شب اول رمضان المبارك سال ۹۶، در جبهه عراق و طی عملیات آزادسازی موصل از اشغال مزدوران سعودی، بال در بال ملائك گشود.

شهید ابومهدی المهندس که فرمانده حشدالشعبی (بسیج مردمی عراق) بود و همراه قاسم سلیمانی به شهادت رسید، به مناسبت نخستین سالگرد شهادت این فرمانده شهید یادداشتی نوشته بود که در کتاب خاطرات شهید شعبان نصیری به یادگار ماند. بخشی از یادداشت را می‌خوانیم:

«او را در اهواز و در هور الهویزه شناختم و در فلوجه و صلاح الدین شناختمش تا این که در موصل، آغشته به خون به شهادت می‌رسد.

سلام بر تو! روزی که زاده شدی و روزی که جهاد کردی و روزی که شهید شدی و روزی که زنده مبعوث خواهی شد.

برادر کوچك تو ابومهدی المهندس».

اگر می‌خواهید یکی از خوانندگان کتاب برایم حافظ بگیر، مجموعه خاطرات شهید مدافع حرم شعبان نصیری به کوشش زینب سوداچی باشید بدانید که کتاب را انتشارات شهید کاظمی در ۳۴۴ صفحه منتشر کرده است.

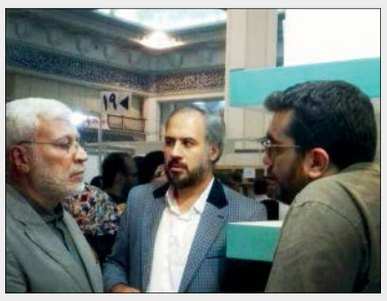

در روایتی که محسن دریالعل مدیر انتشارات «روایت فتح» برای جام جم نوشته، مدام با این گزاره روبه‌رو می‌شویم که ابومهدی با بسیاری از کتاب‌هایی که در نمایشگاه کتاب تهران روبه‌رو می‌شده آشنا بوده است

کتاب نمایش

دورهمی برای جامعه و تئاتر

اگر علاقه‌مند به مباحث اجتماعی در حوزه تئاتر هستید، فردا می‌توانید در نشستی تخصصی که به بررسی کتاب «تئاتر (و) جامعه (و) تئاتر» اختصاص دارد حاضر شوید. آن‌طور که هنرآنلاین خبر داده، در این نشست که فردا چهارشنبه ۲۵ دی از ساعت ۱۸:۳۰ تا ۲۰:۳۰ در تالار مشاهیر تئاترشهر برگزار می‌شود نعمت‌ا... فاضلی، فرهاد مهندس‌پور، اعظم راودراد، شهرام گیل‌آبادی، سعید اسدی و رضا کوچك‌زاده که پدیدآور این کتاب است، سخنرانی خواهند کرد.

کتاب معماری

معماری ایران در چین

اگر علاقه‌مند به کتاب‌های تخصصی معماری هستید بدانید که انتشارات علمی فرهنگی کتابی درباره هنر معماری اویغوری منتشر کرده به نام «تأثیر فرهنگی معماری ایران در چین». کتاب را جوری قدیر و خالق داوود نوشته‌اند و نادره بدیعی آن را ترجمه کرده است. ۱۰۶ صفحه است و ۲۵ هزار تومان هم قیمت دارد.

شعر خارجی

۸۸ مرد عاشق که شاعر شدند

فکرش را بکنید ۸۸ مرد عاشق از هزاره‌های قبل از میلاد تا حالا چه‌ها که نگفته‌اند، به‌خصوص اگر شاعر بوده باشند. این، همه ماجرای کتاب «عاشقانه‌های مردانه» است؛ تازه‌ترین آنتولوژی فریده حسن‌زاده که حالا مجوز گرفته و قرار است منتشر شود. آن‌طور که ایسنا نوشته، این کتاب ۵۲۰ صفحه‌ای که نشر «زرین اندیشمند» آن را به‌زودی منتشر خواهد کرد حاوی زندگینامه و شعرهای ۸۸ شاعر مرد از همه کشورهای جهان، از هزاره‌های قبل از میلاد تا امروز است.

رمان ایرانی

احضار مایاکوفسکی به الموت

فرید قدیمی را هم به ترجمه‌های متعددش و از جمله ترجمه پرسروصدای «اولیس» جیمز جویس می‌شناسیم و هم به داستان‌های خودش. حالا هم او از آماده‌شدن رمان جدیدش با عنوان «کمون مردگان یا مرثیه‌ای برای پیراهن خونی سوفیا» برای انتشار خبر داده است. او که با خبرگزاری مهر حرف می‌زده، در این باره گفته: «این کتاب شاید یك سفرنامه یا رمانی اتوبیوگرافیك و حاصل اقامت یك‌ماهه من در بلغارستان باشد و تجربه‌هایم در شهرهای صوفیه، بورگاس و روسه را شامل شود که البته با روایاتی از قرن دوازدهم و قرن بیستم در هم آمیخته شده است. او البته درباره ارتباط ماجرای کتاب جدیدش با ولادیمیر مایاکوفسکی شاعر انقلابی هم توضیحاتی داده: «کمون مردگان یا مرثیه‌ای برای پیراهن خونی سوفیا روایتی نو از زندگی و خودکشی مایاکوفسکی است و ماجراهایی از دوران نزاریان در قلعه الموت قزوین را هم در بر می‌گیرد». آن‌طور که قدمی گفته این رمان حدود ۲۰۰ صفحه خواهد بود و احتمالا به نمایشگاه کتاب تهران در سال ۹۹ خواهد رسید.

رمان خارجی

بار دیگر با بولانیو

روبرتو بولانیو هر طور حساب کنید رمان‌نویس عجیبی بود؛ همزمان با او سنت‌های چشمگیر داستانی در آمریکا در حال راه‌اندازی بود اما او راه خودش را می‌رفت. نتیجه یکی از همین تکروی‌هایش، آخرین رمانش یعنی رمان «۲۶۶۶» است که حالا در ایران هم به چاپ دوم رسیده است. این رمان را محمد جوادی ترجمه و انتشارات کتابسرای تندیس آن را منتشر کرده است. «۲۶۶۶» نگاهی مرموز، عرفانی و تا حدی باروك دارد و رمانی است که سرشار از تصاویر نمادها و استعاره‌های خاص بولانیو است. کتاب مذکور در ژانر معمایی جا دارد و داستانش در پنج فصل نوشته شده که هر فصل آن، در عین‌حال که دنیایی مجزا از سرگذشت زندگی آدم‌ها در مکان و زمان‌های متفاوت است، نوعی ارتباط با موضوع اصلی داستان دارد. بولانیو این کتاب را در حالی نوشت که می‌دانست از بیماری مرگبارش به‌زودی می‌میرد، اما زمان خود را صرف نوشتن کرد و در نهایت هم انتشار کتاب را ندید. اگر می‌خواهید صاحب یکی از نسخه‌های چاپ دوم این کتاب ۱۲۰۰ صفحه‌ای باشید باید به اندازه ۱۴۰ هزار تومان سر کیسه را شل کنید.

راه حل گرمایش

انواع ساختمان ها

برج‌ها، ویلاها، هتل‌ها، بیمارستان‌ها، فضاهای ورزشی ـ تفریحی، مسکونی، اداری، آموزشی و ...

شوفاژکار، گرم و ماندگار

cki.ir ۰۲۱-۴۸۷۳

شوفاژکار Chauffagekar Industrial Co. Since 1971